

نسخه خطی عمده دیوان حافظ

تاریخ ترتیب و تنقیح دیوان حافظ غالباً با تحقیقات و فعالیت‌های جدی استاد میرزا محمد قزوینی و استاد غنی آغاز می‌شود. این دو دانشمند بزرگ و معروف ایران، نسخه خطی دیوان حافظ متعلق به خلخال را که در سال ۸۲۸ هجری (یعنی ۳۵ سال بعد از رحلت حافظ) استنساخ شده و یک مرتبه خود خلخال آن را به چاپ رسانده بود، برای ترتیب و تنظیم متن دیوان حافظ انتخاب کردند. علاوه بر این چند نسخه دیگر کهن سال را به قصد اصلاح متن گردآوردند و در اواسط سال ۱۳۲۰ هـ ش دیوان چاپی حافظ را به دست حافظ دوستان گذاشتند. سپس دانشمندان دیگر ایرانی، دیوان حافظ را بذوق خودشان ترتیب دادند. پروفیسور نذیر احمد دانشمند نام‌آور هندی هم نسخه‌ای از دیوان حافظ را که موسوم به نسخه گورکھپور است، تصحیح کرد که در ایران چاپ گردید. اخیراً نسخه خطی بسیار قدیمی دیوان حافظ مورخ ۸۱۸ هجری را هم استاد نذیر احمد ترتیب داده‌اند و این نسخه به مناسبت سمینار بزرگداشت حافظ به چاپ رسیده است.

باید یادآور شد که در بیشتر چاپ‌های دیوان حافظ، دانشمندان به این تمایل داشته‌اند که چون نسخه‌ای از دیوان حافظ که به دستخط خود شاعر باشد نداریم، از جنبه علمی باید نسخه‌ای خطی از دیوان حافظ را برای ترتیب و تصحیح برگزینند که نزدیک به دوره حیات حافظ استنساخ شده باشد. آنها گمان می‌کنند که چنین نسخه‌ای از دخل و تصرف‌های بعدی محفوظ بوده باشد. همچنین دانشمندان از جهت تصحیح انتقادی برآنند که محتوای چنین نسخه‌ای را باید با نسخ معتبر دیگر مقابله و مقایسه کنند و نتایج آن را در پاورقی ثبت نمایند، یعنی نسخه بدلها را که ممکن است بسیاری

از آنها منوط به دستکاری‌های خود شاعر باشد، در پاورقی درج کنند. بعضی از محققان به منظور تصحیح متن، کلمه یا کلماتی را به ذوق و سلیقه خود از نسخه بدلها انتخاب می‌کنند و در متن می‌گنجانند.

قبلاً کاتبان به درخواست و تقاضای فردی یا افرادی کتابی را که می‌خواستند تنها از یک نسخه شناخته شده استنساخ می‌کردند. علاوه بر خوشنویسان، بعضی از علما، فضلا، نویسندگان و شعرا هم آثار مورد علاقه خودشان را از روی نسخه‌ای کتابت می‌کرده‌اند که چه بسا از لحاظ کتابت چندان معتبر نباشد و همین امر سبب شده است که چنین متون مشحون از اشتباهات بجای مانده است. در این مورد معمولاً کاتب کاری به نسخه بدلها نداشت. در نتیجه این وضع می‌توانیم حدس بزنیم که کار استنساخ معمولاً براساس تنها یک نسخه انجام می‌گرفت، و یا اگر دو یا چند نسخه پیش روی کاتب بوده است نسخه جدید به ذوق و سلیقه خود کاتبان ترتیب داده می‌شده است. ناگفته نماند که بعضی نسخه‌های خطی وجود دارد که وجوه اختلاف نسخ در حاشیه متن دیده می‌شود اما غالباً این معنی در سراسر نسخه دیده نمی‌شود. در کتابخانه‌های هند نسخه‌هایی از دیوان حافظ مضبوط‌اند که گاه‌گاهی اختلاف نسخ روی حاشیه آنها مرقوم شده لکن پیداست که کاتب و یا خواننده آن نسخه، قصد نداشته که اختلاف نسخ را از سرعمد نشان بدهد. اما گاه برخلاف این معنی دیده می‌شود. اینک می‌خواهم نسخه‌ای از دیوان حافظ را معرفی نمایم که هدف کاتب آن این است که اختلاف قرائت و نسخه بدلها را در سراسر دیوان حافظ با توجه و احتیاط ثبت نماید که خواننده امروزی این نسخه را به این نتیجه می‌رساند که قبل از قرن حاضر نیز این شیوه از تصحیح موجود بوده، یعنی علما و دانشمندانی بوده‌اند که متوجه اختلاف نسخ در دیوان حافظ بودند و می‌خواستند این اختلاف و تفاوت قرائت یک واژه، چند کلمه و یا مصرع و احیاناً بیتی کامل را در سراسر دیوان حافظ نشان بدهند.

از این دیدگاه نسخه خطی مورد نظر ما نسخه‌ای است محفوظ در کتابخانه مؤسسه مطالعات اسلامی، تغلق‌آباد، دهلی‌نو (شماره ۲۱۵۴). خط این نسخه نستعلیق ریز و زیباست و خط متن و نسخه بدلها یکی است. یعنی کاتب متن دیوان و نسخه بدل به لحاظ شباهت کامل خط یک نفر است. نسخه از لحاظ کاغذ و وضع و حال قدیمی

است، تاریخ کتابت و اسم کاتب نسخه نامعلوم است و معلوم نیست که نسخه در چه زمانی و کجا استنساخ شده است.

در این نسخه تمام اشعار منسوب به حافظ اعم از غزلیات و قطعات، قطعات تاریخ وفات، قصاید، ترکیب‌بند، مخمّس گرفته تا رباعیات جمع‌آوری شده است. تعداد غزلیات در این نسخه بیش از چهارصد و تعداد رباعیات ۸۴ است به‌علاوه رباعیاتی هم هست که در حاشیه کتابت شده است. از مندرجات این دیوان استنباط می‌شود که گردآورنده سعی کرده است هرچه منسوب به حافظ بوده در این نسخه بگنجانند.

باتوجه به خصوصیات که نقل شد، این نسخه باید مورد توجه حافظ‌شناسان و دستداران ادب فارسی قرار بگیرد. ویژگی‌های عمده این نسخه به شرح زیر خلاصه می‌شود:

۱. در سراسر دیوان اختلاف نسخ در زیر لغات و کلمات مربوطه با مرکب قرمز درج شده است. بعضی اوقات، مصرع کامل به‌صورتی دیگر در زیر همان مصرع آورده شده است. در بعضی جاها تعداد این نسخه بدلها به دو مورد می‌رسد یعنی کاتب این نسخه بدلها شاید دو نسخه دیگر دیوان حافظ را مطالعه کرده و اختلاف نسخ را در سراسر دیوان مرقوم نموده است. مثلاً در بیتی از حافظ به‌صورت زیر:

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبیس و حیل دیو مسلمان نشود

در این شعر زیر کلمه «مسلمان» شاید با توجه به نسخه دیگری کلمه «سلیمان» نوشته شده است. در چاپ‌های قزوینی و استاد نذیر احمد همین واژه مسلمان آمده لکن در چاپ‌های دیگر مثل چاپ‌های قدسی، انجوی، پژمان بختیاری و احمد شاملو کلمه سلیمان برگزیده شده است و پژمان بختیاری در انتخاب کلمه مسلمان اظهار نظر می‌کند که:

«این صورت ناصواب است اعم از آنکه که مسلمانی به‌معنای مصطلح یعنی پیروی از شریعت غرای محمدی باشد یا به‌مفهوم دیگر یعنی دینداری و اعتقاد به‌خدای فرد واحد. داستان انگشترین سلیمان و ربوده شدن آن به‌وسیله دیوی موسوم به‌صخر یا صخره معروف است، و تناسب دیو با سلیمان هم چندان بدیهی است که حاجتی به توضیح ندارد.»

در موردی دیگر اختلاف مصرع کامل بدین صورت است:
 زدام زلف تو دل را مباد روی خلاص که بستگان کمند تو رستگارانند
 این بیت در چاپ‌های قزوینی و نذیر احمد و پژمان نیست، لکن در چاپ ستایشگر
 دیده می‌شود. در نسخه مورد نظر، زیر مصرع دوم این مصرع آمده است که:
 که خستگان کمند تو تاجدارانند

مثال دیگر از بیتی دیگر:

صبا به تهنیت پیر می فروش آمد که موسم می و معشوق و نای نوش آمد
 ضبط دیگر مصرع دوم از این بیت بدین قرار است:

که موسم طرب و وقت نای و نوش آمد

۲. مصراعها و ابیات و حتی هر بیت غزل عربی حافظ به فارسی ترجمه شده و ترجمه آن زیر هر مصرع آورده شده است.

۳. بعضی غزل‌ها و ابیات در حاشیه اضافه شده که نشان می‌دهد که کاتب نسخه، مطلب را از نسخه دیگری بعداً نقل نموده است.

مثلاً غزلی با مطلع زیر در حاشیه نسخه رونویسی شده است:

بوی مشک ختن از باد صبا می‌آید این چه بادبست کزو بوی وفا می‌آید

این غزل در چاپ‌های استاد قزوینی و نذیر احمد و پژمان بختیاری نیست.

همچنین غزلی داریم با این مطلع:

حسن تو همیشه در فزون باد رویت همه ساله لاله گون باد

این غزل در چاپ‌های استاد قزوینی و استاد نذیر احمد و پژمان بختیاری دارای نه بیت است، در نسخه خطی مورد نظر ما، این غزل در متن هشت بیت دارد لکن بیت مورد نظر در حاشیه نسخه رونویسی شده است:

هر دل که نه در غم تو باشد از حلقه وصل تو برون باد

باید یادآور شد که حتی غزل‌ها و ابیاتی که در حاشیه افزوده شده، اختلاف نسخ در آنها هم ثبت گردیده است. از جمله زیر مصرع اول بیت مذکور افزوده شده است:

هر دل که ز عشق تست خالی

همین مصرع در چاپ پژمان بختیاری دیده می‌شود.

۴. سعی کاتب بر آن بوده است که اشعار شعرا و اقوال مشایخ را که فکر و عقیده حافظ را تأیید می‌کند به‌عنوان حاشیه و صحت در روی حاشیه این نسخه بیاورد. غزلی داریم از حافظ که در آن این بیت است:

ز گردِ خوانِ نگونِ فلکِ طمعِ نتوانِ داشت که بی‌ملالتِ غصه، یک نواله برآید

در حاشیه نسخه و در مقابل این شعر نوشته شده که:

”حضرت خواجه عبدالله انصاری فرموده‌اند:

آدمی را سه چیز در رنج دارد. از وقت پیش می‌طلبد و از قسمت بیش می‌جوید، و از دیگران بخویش می‌خواهد.“

اشعاری از مثنوی معنوی، نزهة الارواح، فخرالسادات حسینی (متوفی ۷۱۷ یا ۷۱۹ هـ) مولانا عبدالرحمن جامی و شیخ جمالی کنبه هم در تصدیق و تأیید و شرح ابیات حافظ روی حاشیه ابیات مربوط به حافظ نقل گردیده است. نیز در حاشیه نسخه و مقابل این بیت از حافظ که می‌گوید:

اسم اعظم بکند کار خود ای دل خوش باش که به تلبیس و حیل دیو سلیمان نشود

از شرح مولانا جمالی اقتباس زیر آورده شده است که:

منقول است که بعد گم شدن انگشتری سلیمان علیه‌السلام، دیو اهرمن خواست که به‌صورت سلیمان علیه‌السلام شده نزد بلقیس بیاید. اما سلیمان علیه‌السلام با بلقیس گفته بودند که اگر اهرمن به‌صورت من شده بیاید این «اسم اعظم» را بخوانید. اگر من خواهم بود، نخواهم گریخت و اگر اهرمن خواهد بود خواهد گریخت. چون دیو به‌صورت سلیمان علیه‌السلام شده پیش بلقیس آمد، بلقیس این اسم اعظم خواند: لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم، فی الحال اهرمن گریخت، بلقیس از اهرمن نجات یافت.^۱

علاوه بر این در مورد غزلی از حافظ به این مطلع:

صبا به‌تهنیت پیر می‌فروش آمد که موسم می و معشوق و نای و نوش آمد

به‌عنوان شرح، ابیاتی از جمالی کنبه به‌صورت زیر نقل شده است:

۱. نقل فی‌الشرح مولانا جمالی غفرالله ذنوبه.

هر که او مرشد ندارد ملحد است	می فروش اینجا به معنی مرشد است
هم نبی و هم ولی و رهنماست	مرشد کامل در اینجا مصطفی ست
ریزد اندر شیشه پاک و لطیف	می کشاید خم وحدت آن حریف
آتش وحدت بسینه می رسد	چون می اندر آبگینه می فتد
چون صراحی پنبه دور از گوش کرد	هر که او جام محبت نوش کرد
قلقل آید از دهان او مدام	چون صراحی برکشد پنبه ز کام
جام مالمال می گردد ز می	باده چون بیرون فتد از کام وی
هر که دستش داد صاحب حال گشت	جام چون زان باده مالمال گشت

این نوع شرح منظوم از همین جمالی در موارد دیگر نیز آمده است جمالی چنانکه می دانیم، شاعر و عارف معروف قرن نهم میلادی است. جمالی با جامی ملاقات کرده بود. آثار جمالی که تاکنون کشف شده، شامل شرح دیوان و یا ابیات حافظ نیست. از یادداشتهای مختلفی که روی این نسخه از جمالی آمده است پی می بریم که جمالی شعر حافظ را به صورت نظم و نثر شرح نموده بود اما متأسفانه این اثر او حالا در اختیار ما نیست و ظاهراً مفقود شده است.

۵. در روی حاشیه نسخه و مقابل غزلی دیگر از حافظ به این مطلع:

تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد وجود نازکت آزرده گزند مباد
مخمسی از شاعری متخلص به «مسیحی» نقل گردیده که بدین صورت است:

مرا ز هر دو جهان جز غمت پسند مباد
سرم به خاک رهت جز سم سمند مباد
به پیش لعل لب غنچه خیره خند مباد
تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد

وجود نازکت آزرده گزند مباد

دلَم که سوخته آتش ملاحه تست
ولی امید من از رحمت و کرامت تست
بیاغ سروی و سروی سهی ز قامت تست
سلامت همه آفاق در سلامت تست

بهیچ عارضه شخص تو دردمند مباد

مرا که بخت مساعد بدور دولتِ تست
 فراغت از دو جهانم به یمن همّتِ تست
 وجود باقی من از بقای صحبتِ تست
 جمالی صورت و معنی ز یمن خدمتِ تست

که ظاهرهٔ دژم و باطنیت نژند مباد

خصوصیاتی اینچنین در نسخهٔ مورد نظر این حدس را در ما تقویت می‌کند که بگوییم نسخه موجود تا حدی قدیمی است و استنساخ آن بعد از جامی و جمالی که در سدهٔ نهم هجری می‌زیسته‌اند، انجام گرفته است، همچنین کاتب این نسخه علم‌دوست، صاحب ذوق و سخن‌شناس و با تاریخ شعر فارسی بویژه شعر عرفانی فارسی آشنایی داشته است.

در پایان این بحث می‌خواهم به دانشمندان و صاحب‌نظران ایران و هند عرض کنم که بعد از کار ترتیب و تصحیح دیوان حافظ که بگمانم، تا حدی کافی انجام یافته باید نسخه‌ای کامل از دیوان حافظ برای دانشجویان زبان و ادبیات فارسی تهیه گردد تا با توجه به چاپ انتقادی، متضمن شروح و نسخه بدلهای درست کلام حافظ باشد و دانشجویان شعر حقیقی حافظ را بدرستی دریابند. بدیهی است برای رسیدن به چنین مهمی تسلط بر معارف قرآنی، تاریخ سیاسی و اجتماعی اسلام و ایران، زبان و لهجه شیراز دورهٔ حافظ و هم آداب و رسوم و سنن کهن ایران لازم است. امیدواریم که به‌زودی چنین متنی از دیوان حافظ به‌دست ما برسد.